


A Critical Analysis of Yemeni War Metaphors in News Headlines of World Newspapers based on Conceptual Blending Theory (BT) and Hart Model: A Cross-language Study

Asadian Esfahani, Zahra¹ 

English Department, Faculty of Humanities, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan), Isfahan, Iran

Shadman, Yosra² 

Arabic Department, Faculty of Literature, Ilam University, Ilam, Iran

Abstract

This study provides a cognitive-critical analysis of the use of metaphorical expressions in the headlines of the Yemeni war in the Persian-language newspaper Kayhan, Arabic-language newspaper Al-Hayat and the English-language newspaper New York Times. To do this, news items related to the Yemeni war published from January 2016 to May 2020 were collected from Kayhan, Al-Hayat and the New York Times by searching the websites of the three newspapers. Metaphorical applications in these headlines were identified using Conceptual Metaphor Theory (CMT) and the identified metaphorical expressions were categorized by language and conceptual domain. Using the Conceptual Blending Theory (BT), the abstract form of each of the conceptual domains was projected on the conceptual blending networks, so that the emergent structures of these networks, formed in the blended space, could form an abstract discourse for critical analysis of speech (Hart Model). It was found that there is no common emergent structure between the metaphorical discourse of the three newspapers. Nevertheless, the concepts of “the ruinous war” and “the scary war” is common between Kayhan and the New York Times, and the concept of “solution” is common between Kayhan and Al-Hayat. Also, the emergent structure of "variability" is common between Al-Hayat and the New York Times. These similarities and differences indicate that the specific ideological perspective of each of the newspapers is reflected in the metaphorical structures of the news headlines related to Yemeni war.


Keywords: War Metaphors, Critical Metaphor Analysis, Conceptual Metaphor Theory, Conceptual Blending Theory, Abstract Discourse


1. z.asadian.e@gmail.com

2. y.shadman@ilam.ac.ir

How to Cite: Asadian Esfahani, Z., & Shadman, Y. (2023). A Critical Analysis of Yemeni War Metaphors in News Headlines of World Newspapers based on Conceptual Blending Theory (BT) and Hart Model: A Cross-language Study. *Language and Linguistics*, 18(35), 189-212. doi: 10.30465/lsi.2023.850513:32

تحلیل انتقادی استعاره‌های جنگ یمن در عناوین خبری روزنامه‌های جهان براساس نظریه آمیختگی مفهومی و مدل هارت: یک مطالعه بین زبانی

اسدیان اصفهانی، زهرا  گروه زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، اصفهان، ایران

شادمان، یسرا  استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

چکیده: این مطالعه به تجزیه و تحلیل شناختی-انتقادی کاربرد عبارت‌های استعاری در عناوین خبری جنگ یمن در سه روزنامه فارسی‌زبان کیهان، عرب‌زبان الحیات و انگلیسی‌زبان نیویورک‌تایمز می‌پردازد. در این راستا، پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ برای این پرسش است که آیا در ساخت تعبیرات استعاری مربوط به جنگ یمن، این سه روزنامه از حوزه‌های مفهومی مشابهی استفاده می‌کنند. آیا استعاره‌هایی که از سوی این سه روزنامه به‌کاررفته، منجر به تثبیت گزاره‌ها و مفاهیم مشترکی شده است و آیا مفاهیم انتزاعی که از ورای استعاره‌ها ساخته شده، ایدئولوژی خاص هر روزنامه را بازنمایی می‌کند. به این منظور، عناوین خبری مربوط به جنگ یمن منتشر شده از دی‌ماه ۱۳۹۴ تا اردیبهشت ۱۳۹۹ در روزنامه کیهان، الحیات و نیویورک‌تایمز با جستجو در پایگاه اینترنتی این سه روزنامه جمع‌آوری شد. با استفاده از نظریه استعاره مفهومی، عبارت‌های استعاری شناسایی شده، به تفکیک زبان و براساس حوزه مفهومی دسته‌بندی شد. با بهره‌گیری از نظریه آمیختگی مفهومی، صورت انتزاعی هر یک از حوزه‌های مفهومی، بر شبکه‌های آمیختگی مفهومی نمایش داده شد تا ساختارهای پیدایشی این شبکه‌ها که در فضای آمیخته شکل گرفته‌اند، یک گفتمان انتزاعی را

به منظور تجزیه و تحلیل انتقادی کلام شکل دهند. در پایان هیچ ساختار پیدایشی که در گفتمان استعاری هر سه روزنامه مشترک باشد، مشاهده نشد. اما مفاهیم «جنگ ویرانگر» و «جنگ رعب‌آور» به عنوان گزاره‌های مشترک در گفتمان انتزاعی روزنامه کیهان و روزنامه نیویورک‌تایمز شناسایی شد. تنها گزاره مشترک مابین کیهان و الحیات «راه‌حل» است. همچنین، گزاره «تغییرپذیری» مابین گفتمان انتزاعی روزنامه الحیات و نیویورک‌تایمز مشترک است. این شباهت‌ها و تفاوت‌ها مبین آن است که می‌توان بازتاب ایدئولوژی هر روزنامه را در ساختارهای استعاری مربوط به عناوین خبری جنگ یمن مشاهده کرد.

کلیدواژه‌ها: استعاره‌های جنگ، تحلیل انتقادی استعاره، نظریه استعاره مفهومی، نظریه آمیختگی مفهومی، گفتمان انتزاعی.

۱ مقدمه

مطالعه زبان در ارتباط با موضوعات سیاسی همچون قدرت، ایدئولوژی، نژادپرستی و نیز زبان رسانه در دهه‌های اخیر مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است. مباحثه سیاسی، کلامی ایدئولوژیک است که از مجموعه‌ای از باورها شکل می‌گیرد و استعاره نمود زبانی نظام مفهومی تفکر آدمی است که در سراسر زندگی روزمره و نه فقط در عرصه زبان، بلکه در حوزه اندیشه و عمل به کار گرفته می‌شود. برد^۱ (۲۰۰۰: ۱۹) معتقد است که استعاره و مجاز مکرراً در زبان سیاست مورد استفاده قرار می‌گیرد. او استعاره را واژه یا عبارتی می‌داند که برای انجام مقایسه مابین یک انگاره با انگاره به کار می‌رود.

امروزه، مطالعه نقش و کاربرد استعاره در زبان سیاست تا آنجا گسترده شده که یک حوزه مطالعاتی را تحت عنوان «تحلیل انتقادی استعاره»^۲ به خود اختصاص داده است. تحلیل انتقادی استعاره رویکردی برای توصیف و تحلیل زبان است که از ترکیب زبان‌شناسی پیکره‌ای، تحلیل گفتمان انتقادی و زبان‌شناسی شناختی شکل گرفته است. این روش برای آشکارسازی ایدئولوژی‌ها و باورهای زیربنایی به منظور درک بیشتر روابط پیچیده بین زبان، اندیشه و بافت اجتماعی به کار گرفته می‌شود (چارتریس‌بلک^۳، ۲۰۰۴: ۶۱).

چارتریس‌بلک (۲۰۰۴: ۲۸) استعاره را قسمت اصلی تحلیل گفتمان انتقادی می‌داند و در روش خود برای تحلیل انتقادی استعاره، به «نظریه استعاره مفهومی»^۴ اتکاء می‌کند. رویکرد

1. A. Beard
2. J. Charteris-Black

2. Critical Metaphor Analysis
4. Conceptual Metaphor Theory (CMT)

ارائه شده توسط چارتریس بلک طی دو دهه اخیر مورد بهره برداری بسیاری از پژوهشگران در این حوزه قرار گرفته است. با این وجود، کریستوفر هارت^۱ (۲۰۰۸) اتکاء بر نظریه استعاره مفهومی در گفتمان انتقادی را به چالش کشیده و کولر^۲ (۲۰۰۴: ۸) صراحتاً بیان داشته است که نظریه آمیختگی مفهومی برای تجزیه و تحلیل استعاره در مرحله تفسیر مناسب تر است.

از سوی دیگر، مطالعه استعاره‌های جنگ به ویژه در زبان رسانه مورد توجه خاص تحلیلگران انتقادی استعاره قرار گرفته است؛ چرا که طبق پژوهش فابیساک^۳ و کاسوبسکی^۴ (۲۰۰۵: ۳۱۶-۳۱۷)، بررسی توزیع کمی کاربرد استعاری عبارات فعلی «اعلان جنگ»، «جنگیدن» و عبارت اسمی «میدان جنگ»، در ژانرهای مختلف ادبی نشان می‌دهد که بهره‌برداری از عبارات استعاری در رابطه با این مفاهیم در رسانه‌های گروهی ۳۱ تا ۶۷ درصد است. این درحالیست که کاربرد استعاری این عبارات در ژانر داستانی ۶ تا ۱۸ درصد و در متون تاریخی تنها ۲ تا ۴ درصد برآورد شده است. بنابراین، زمانی که نوبت به مطالعه استعاره‌های جنگ می‌رسد، داده‌های رسانه‌های گروهی بیش از سایر منابع قابل اتکا هستند (فابیساک، ۲۰۰۷: ۶۴).

در این مطالعه، برآنیم که به بررسی استعاره‌های جنگ یمن در زبان خبر روزنامه‌های جهان با بهره‌برداری از مدل هارت (۲۰۰۸) به عنوان مکملی بر رویکرد چارتریس بلک (۲۰۰۴) در تحلیل انتقادی استعاره بپردازیم. پژوهش حاضر به تجزیه و تحلیل شناختی-انتقادی کاربرد عبارات استعاری در عناوین خبری مربوط به جنگ یمن در روزنامه فارسی زبان «کیهان»، روزنامه انگلیسی زبان «نیویورک تایمز» و روزنامه عرب‌زبان «الحیات» می‌پردازد. در این راستا، در پی یافتن پاسخ برای این پرسش هستیم که آیا در ساخت استعاره‌های جنگ یمن، روزنامه‌های کشورهای مختلف جهان از حوزه‌های مفهومی مشابهی استفاده می‌کنند؟ آیا استعاره‌هایی که در این روزنامه‌ها به کار رفته‌اند، منجر به تشبیت گزاره‌ها و مفاهیم مشترکی شده‌اند؟ و آیا گفتمان انتزاعی که از ورای استعاره‌ها شکل گرفته است، ایدئولوژی خاص هر روزنامه را بازنمایی می‌کند؟

۲ پیشینه پژوهش

زبان‌شناسی شناختی و تجزیه و تحلیل انتقادی کلام دو حوزه اصلی مستقل در مطالعات

1. Ch. Hart
3. M. Fabiszak

2. V. Koller
4. P. Kaszubski

زبان‌شناسی هستند. اما از دهه ۱۹۸۰ برخی از پژوهشگران تلاش کردند با هدف بهره‌گیری از مزایای هر یک از این دو حوزه، به منظور دستیابی به روش‌های تجزیه و تحلیل بهتر، این دو حوزه پژوهش را به یکدیگر نزدیک کنند.

این ایده از سال ۲۰۰۳ در آثار زبان‌شناسانی همچون ماسولف^۱ (۲۰۰۴)، چارتریس بلک (۲۰۰۴)، راش^۲ (۲۰۰۵)، مولر^۳ (۲۰۰۵) و دیگران تا اندازه‌ای عملی شد. تلاش‌های این دانشمندان منجر به ارائه تجزیه و تحلیل استعاره‌های مفهومی در گفتمان سیاسی و رسانه، به عنوان سیر جدیدی در مطالعات زبانی شد و با کتاب چارتریس بلک (۲۰۰۴)، نام تحلیل انتقادی استعاره بیش از پیش به این حوزه مطالعاتی اطلاق شد.

استعاره جنگ همواره و به طور خاص مورد توجه تحلیلگران انتقادی استعاره قرار داشته است. جورج لیکاف، نظریه پرداز نظریه استعاره مفهومی (۱۹۹۲الف)، طی چند مقاله انتقادی در سال‌های مختلف به بررسی تاثیر استعاره در توجیه جنگ در جنگ اول و دوم خلیج فارس پرداخت (لیکاف^۴، ۱۹۹۲ب، ۲۰۰۳). این مقالات جک لول (۲۰۰۴) را بر آن داشت تا به بررسی ادعای لیکاف در متون خبری روزنامه‌های آمریکایی و نقش استعاره در شکل دهی گزارش‌های خبری مربوط به جنگ آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ بپردازد.

فایساک (۲۰۰۷) در یک پژوهش جامع به بررسی مطالعات صورت گرفته در حوزه گفتمان جنگ با رویکرد استعاره مفهومی پرداخته است. وی معتقد است، زمانی که زبان‌شناسی با حوزه جنگ روبرو می‌شود، معمولاً آنچه را که چارتریس بلک (۲۰۰۴) تحلیل انتقادی استعاره می‌نامد، به کار می‌گیرد. تحلیل انتقادی استعاره نشان می‌دهد که چگونه کاربرد استعاره برخی از وجوه یک پدیده را برجسته می‌کند و در مقابل وجوه دیگری را که صریحاً بیان می‌شود، پنهان می‌نماید. این قابلیت دستکاری نمودن تصویر جهان، استعاره را تبدیل به ابزار بیان قدرتمندی می‌کند که در تبلیغات سیاسی به منظور تحت تاثیر قراردادن افکار عمومی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (فایساک، ۲۰۰۷: ۱۰۲).

در بیشتر مطالعات تحلیل انتقادی استعاره تا به امروز، نظریه استعاره مفهومی لیکاف (۱۹۹۲الف) ابزار بررسی قرار گرفته است؛ درحالی که چارتریس بلک (۲۰۰۴: ۱۶۹) در بررسی استعاره‌های جنگ با اشاره به مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک مابین ورزش و جنگ، توضیح این شباهت‌ها را براساس نظریه لیکاف-ترنر^۵ (۱۹۸۹) و مفهوم فضای عام^۶ نیز ممکن می‌داند.

1. A. Musolff
4. G. Lakoff

2. F. Rash
5. Lakoff and Turner's theory

3. R. Muller
6. Generic Space

کریستوفر هارت (۲۰۰۵: ۱۹۴-۱۸۹) باور دارد که با یک رویکرد شناختی، می‌توان روش جدیدی برای تجزیه و تحلیل زبان شکل داد که به ویژه مناسب برای زبان سیاسی باشد. هارت (۲۰۰۸: ۹۱-۱۰۶) با ارائه یک چارچوب تئوری برای استعاره و تجزیه و تحلیل انتقادی کلام، بر ارجحیت «تئوری آمیختگی مفهومی»^۱ بر تئوری استعاره مفهومی در سازگاری با تجزیه و تحلیل انتقادی کلام تاکید نموده است.

در دهه اخیر، برخی از زبان‌شناسان ایرانی نیز به تحلیل انتقادی استعاره پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان به مقاله حیدری‌زاده و لبش (۱۳۹۵) با عنوان «تحلیل انتقادی گفتمان استعاری-سیاسی بکار رفته در بازتاب جنبش‌های اخیر کشورهای عربی» اشاره کرد.

افخمی و شکبیا (۱۳۹۶) یک مطالعه بین‌زبانی با عنوان «بازنمایی ایدئولوژیک مطبوعات انگلستان و ایران با نگاه تحلیل انتقادی استعاره» انجام داده‌اند. در این پژوهش، سعی شده با استفاده از ترکیب روش‌شناختی لیکاف و کاربردشناختی کامرون، آن چنان که چارتریس‌بلک مدنظر دارد، به صورت رویکردی تلفیقی به تحلیل انتقادی استعاره در متون سیاسی روزنامه‌های مردم‌سالاری و کیهان در ایران و میرر و تلگراف در انگلستان پرداخته شود؛ با این هدف که تفاوت‌ها و شباهت‌های میان حوزه استعاره‌ها و استعاره‌های مفهومی گفتمان‌های رقیب در هر کشور و رسانه‌های احزاب مهم سیاسی ایران و انگلستان از منظر انتقادی آشکار گردد.

اسدی و دیگران (۱۴۰۰) با انجام مطالعه‌ای با عنوان «مفهوم‌سازی‌های استعاری در گفتمان ورزش فوتبال بر اساس رویکرد پیکره-بنیاد به تحلیل انتقادی استعاره» به این نتیجه رسیدند که گرچه یکی از خصیصه‌های زبان ورزش ترویج استعاره‌های جنگ است، اما تصویری کمتر خشونت‌آمیز و حتی به لحاظ زیبایی‌شناختی زمینه‌ای لذت‌بخش از فعالیت‌های انسان و قلمروهای غیر خشونت قابل ساختاربندی است.

زهره شهرستانی و دیگران (۱۴۰۱) با بررسی نقش جنسیت در روایت‌های زنانه و مردانه جنگ از منظر تحلیل انتقادی استعاره دریافته‌اند که در آثار نویسندگان زن، بیشترین استعاره مربوط به استعاره هستی‌شناختی و در آثار راویان مرد، بیشترین استعاره مربوط به استعاره ساختاری است. این تفاوت در به‌کارگیری نوع استعاره توسط زنان نسبت به مردان حاکی از نوع نگرش و توانایی یا تمایل بیشتر آنها در عینیت بخشیدن مفاهیم انتزاعی است. در دهه اخیر استفاده از نظریه آمیختگی مفهومی مورد توجه برخی از زبان‌شناسان ایرانی

1. Conceptual Blending Theory (BT)

در حوزه‌های گوناگون تحلیلی اعم از ساخت معنا در قصه‌های عامیانه (اردبیلی و دیگران، ۱۳۹۴)، معنی‌سازی در شعر (رضایی و دیگران، ۱۳۹۶)، مفهوم‌سازی‌های قرآنی (قائمی و دیگران، ۱۳۹۸)، سینمایی (مولوی وردنجانی و دیگران، ۱۳۹۸) و تبلیغاتی (رضویان و دیگران، ۱۳۹۸) قرار گرفته است. بهره‌برداری از این نظریه در حوزه تحلیل گفتمان سیاسی را می‌توان در پژوهش اسدیان و دیگران (۲۰۱۷) با عنوان «تجزیه و تحلیل انتقادی-شناختی استعاره‌های وحدت در سرمقاله‌های روزنامه‌های ایران» و در آثار جدیدتر مشاهده نمود. دهقان و دیگران (۱۴۰۰) با مطالعه «کارکرد گفتمانی-استعاری زبان رسانه: رویکرد شناختی» نشان داده‌اند که گفتمان رسانه‌ها با تلفیق حوزه مبدأ و حوزه مقصد و پدیدآمدن فضای آمیخته، زبان را به گونه‌ای مفهوم‌سازی می‌کند که امکان نگاشت مفاهیم انتزاعی؛ همچون «موج بیداری اسلامی»، «انداختن توپ به زمین حریف» و غیره را به مفاهیم ملموس و عینی فراهم ساخته است.

بررسی آمیختگی مفهومی در عناوین خبر سیاسی روزنامه ابتکار به کوشش کیا و دیگران (۱۴۰۰) انجام شده که طی آن پژوهشگران درصدد برآمده‌اند ضمن معرفی نظریه آمیختگی مفهومی، کارآمدی این نظریه را در توصیف و تبیین عناوین متون مطبوعاتی بررسی نمایند.

۳ روش تحقیق

چارتریس‌بلک (۲۰۰۴: ۵۱) روش‌شناسی تحلیل انتقادی استعاره را شامل سه مرحله می‌داند: مرحله اول، «شناسایی معتبر استعاره‌ها»؛ از طریق خوانش دقیق متن و تعیین تحت‌اللفظی یا استعاری بودن کاربرد کلیدواژه در بافت موردنظر، مرحله دوم، «تفسیر استعاره»؛ که شامل تشخیص استعاره‌های مفهومی و موارد کلیدهای مفهومی است و مرحله سوم، «تبیین استعاره»؛ به منظور تشخیص عواملی که در تولید و نقش اجتماعی استعاره‌ها در ترغیب مخاطب دخیل هستند.

کریستوفر هارت (۲۰۰۸) با بیان اینکه نظریه استعاره مفهومی یک نظریه سازمان مفهومی است، قاطعانه معتقد است که نظریه استعاره مفهومی با تحلیل مرحله تفسیر منطبق نیست. این درحالیست که، نظریه آمیختگی مفهومی نظریه مفهوم‌سازی در طول گفتمان است و از این رو برای تجزیه و تحلیل استعاره در مرحله تفسیر، مناسب‌تر است (هارت، ۱۳۹۸: ۱۸۹).

در پژوهش حاضر، عناوین خبری مربوط به جنگ یمن، منتشر شده از دی‌ماه ۱۳۹۴ تا اردیبهشت ۱۳۹۹ در روزنامه فارسی‌زبان کیهان چاپ تهران، روزنامه انگلیسی‌زبان نیویورک تایمز چاپ نیویورک و روزنامه عرب‌زبان الحیات چاپ لندن، با جستجو در پایگاه اینترنتی این سه روزنامه مورد بررسی قرار گرفت و تعیین عناوین دارای عبارت استعاری با اتکا بر پیشینه مطالعات موجود در رابطه با استعاره‌های جنگ بر اساس «نظریه استعاره مفهومی» انجام گرفت تا دسته‌بندی داده‌ها براساس حوزه مفهومی میسر شود. سپس با بهره‌گیری از «نظریه آمیختگی مفهومی»، هریک از حوزه‌های مفهومی بر یک شبکه تلفیق مفهومی تجزیه شد تا گزاره‌ها و مفاهیم مشترک استخراج گردد و براساس آن گفتمان انتزاعی^۱، به منظور تبیین نقش ایدئولوژیک استعاره‌ها، شکل گیرد.

۳-۱ مبانی نظری

گریدی^۲ و دیگران (۱۹۹۹: ۱۰۳-۱۰۲) با اشاره به ارتباط دو نظریه استعاره مفهومی و آمیختگی مفهومی، نشان داده‌اند که این دو رویکرد مکمل یکدیگر هستند؛ به طوریکه روابط بین حوزه‌های مفهومی که از سوی پژوهشگران نظریه استعاره مفهومی معرفی شده، فرآیندهای پیچیده‌تر آمیختگی مفهومی را شکل می‌دهد. از نظر ایشان استعاره‌های مفهومی از جمله ساختارهای ثابتی هستند که در دسترس فرآیند آمیختگی مفهومی قرار دارند. در موارد استعاری، دو فضای درون‌داد^۳ در نظریه آمیختگی مفهومی برابر با حوزه مبدأ^۴ و حوزه مقصد^۵ در نظریه استعاره مفهومی هستند. فضاهای ذهنی معادل حوزه‌های مفهومی^۶ نیستند بلکه به آنها وابسته هستند؛ فضاهای ذهنی سناریوهای خاصی را ارائه می‌دهند که با حوزه‌های مفهومی داده شده شکل گرفته‌اند. بنابراین، یک فضای ذهنی یک ساخت کوتاه‌مدت است که با ساختارهای دانش کلی‌تر و باثبات‌تر که مربوط به یک حوزه خاص هستند، تغذیه می‌شوند. همچنین، استعاره‌های سنتی با برقراری ارتباط مابین عناصر در حوزه‌ها و فضاهای مجزا پروسه آمیختگی را تغذیه می‌کنند (همان، ۱۱۰).

۳-۱-۱ نظریه استعاره مفهومی

نظریه استعاره مفهومی که توسط لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) ارائه شده، براساس تشخیص

1. abstract discourse
4. source domain

2. J. Grady
5. target domain

3. input space
6. conceptual domains

ارتباط میان دو مفهوم از جانب ذهن آدمی استوار است. این ارتباط به شکل تناظرهایی میان دو مجموعه شکل می‌گیرد که در نظریه استعاره مفهومی «نگاشت»^۱ نامیده می‌شود. از میان این دو مجموعه آنکه مفهومی عینی و متعارف‌تر دارد، «حوزه مبدا» و مجموعه‌ای که دارای مفاهیم انتزاعی و ذهنی‌تر است، «حوزه مقصد» در نظر گرفته می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

می‌توان گفت حوزه مبدا حوزه‌ای است که ساختار را به کمک استعاره فراهم می‌کند و حوزه مقصد حوزه‌ای است که با توجه به استعاره سازمان‌دهی می‌شود. این امر از طریق نگاشت‌های میان-حوزه‌ای^۲ از حوزه مبدا به حوزه مقصد صورت می‌پذیرد که ساختار را فرافکنی می‌کنند و پیوندی قراردادی در سطح مفهومی ایجاد می‌نمایند (اونز، ۱۳۹۸: ۱۰۸-۱۰۹).

در این پژوهش، کاربرد نظریه استعاره مفهومی محدود به شناسایی استعاره‌های مفهومی و تعیین حوزه‌های مبدا و مقصد هر یک از استعاره‌های مورد بررسی است؛ تا دسته‌بندی استعاره‌ها براساس «حوزه مفهومی» انجام شود. این دسته‌بندی این امکان را فراهم می‌آورد که قلمرو مبدا و مقصد هر حوزه مفهومی به عنوان فضای درون‌داد بر نمودار آمیختگی مفهومی ایفای نقش کند. واضح است که در همه نمودارها قلمرو مقصد به طور ثابت «جنگ» خواهد بود.

۲-۱-۳ نظریه آمیختگی مفهومی

آمیختگی مفهومی فرآیندی پویا و در لحظه است که معانی جدید را ایجاد می‌کند (افراشی، ۱۳۹۶). نظریه آمیختگی مفهومی از سوی فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲)، برای تفسیر پدیده‌های شناختی زبان اعم از استعاره ارائه شده و بر پایه نظریه فضاهای ذهنی (فوکونیه، ۱۹۹۴) استوار است. در این نظریه، هر شبکه آمیختگی مفهومی از حداقل چهار فضای ذهنی شامل دو یا چند فضای درون‌داد، یک فضای عام^۳ و یک فضای آمیخته^۴ تشکیل شده است.

فضاهای ذهنی باعث تشکیل بسته‌ای موقت از ساختار مفهومی می‌شود که برای اهداف ویژه‌ای در گفتمان جاری شکل می‌گیرد و به واسطه روابط یا نگاشت‌های ایجادشده بین آنها، امکان ایجاد معانی نامحدود فراهم می‌گردد. همانگونه که اشاره شد، هر شبکه

1. mapping
2. cross-domain mappings

3. generic space
4. blended space

آمیختگی مفهومی دارای یک یا چند فضای درون‌داد است که ساختار از آنها به فضای آمیخته، فرافکنی می‌شود.

فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲: ۸۹-۱۰۱) مجموعه رابط‌هایی به نام «روابط اساسی»^۱ را در این فرآیند نگاشتی متصور هستند که کارکرد آنها تعیین هویت عناصر همتای درون و اطراف فضاهای ذهنی است. شبکه آمیختگی با فشرده‌سازی روابط اساسی معین موجود میان عناصر همتا در فضاهای درون‌داد متمایز به پیش می‌رود و به روابط اساسی فشرده‌ای منجر می‌شود که در فضای آمیخته، فرافکن می‌شوند (اونز، ۱۳۹۸: ۱۱۹). فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲: ۱۰۱-۹۳) مجموعه کوچکی از انواع روابط اساسی را برشمرده‌اند که عبارتند از: تغییر، هویت، زمان، فضا، علت-معلول، جزء-کل، بازنمایی، نقش، قیاس، واسنجی، ویژگی، شباهت، مقوله، قصدمندی و یگانگی.

فضای عام در شبکه آمیختگی اطلاعاتی را فراهم می‌کند که به اندازه کافی، انتزاعی هستند تا برای هر دو یا تمام فضاهای درون‌داد، مشترک باشند. عناصر موجود در فضای عام که معمولاً با نقش‌های معنایی^۲ نمایش داده می‌شود، بر عناصر همتای درون هر یک از فضاهای درون‌داد، نگاشت می‌شود و موجب برانگیختن ماهیت عناصر همتای میان‌فضایی در فضاهای درون‌داد می‌گردد. در نهایت، فضای آمیخته فضایی ذهنی است که از آمیختگی مفهومی حاصل شده و «ساختار پیدایشی»^۳ را ایجاد می‌نماید (اونز، ۱۳۹۸: ۱۷۵-۱۷۷).

همان‌گونه که نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد، در فضای آمیخته «ساخت‌های مفهومی پیدایشی»^۴ -یعنی اطلاعاتی که در هیچ یک از فضاهای درون‌داد یافت نمی‌شوند- پدیدار می‌گردند. در واقع فضای آمیخته عناصری از هر دو درون‌داد را دربرمی‌گیرد، اما از مجموع آن فراتر می‌رود و به واسطه فرآیندهای تلفیقی ترکیب، تکمیل و توسعه^۵، ساخت‌هایی را فراهم می‌آورد که از هر دو فضای درون‌داد متمایز است (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۸۴-۱۹۰).

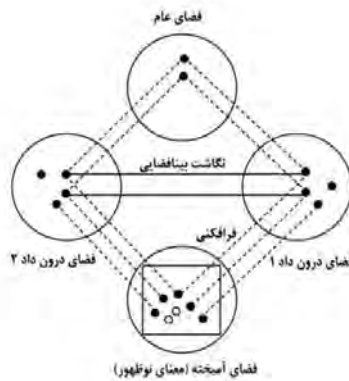
1. vital relations

2. semantic role

3. emergent structure

۴. روشن و اردبیلی (۱۳۹۲) نام «ساختار نوظهور» را برای فرآیند Emergent structure به‌کاربرده‌اند.

۵. روشن و اردبیلی (۱۳۹۲) نام «پیچیدگی» را برای فرآیند Elaboration به‌کاربرده‌اند.



نمودار ۱- نمودار آمیختگی مفهومی

به‌طور کلی، فضاهای آمیخته جدید هستند، اما آنها در خدمت نگاشت‌های تثبیت شده^۱ و قالب‌ها^۲ قرار می‌گیرند. فضاهای آمیخته حتی خود می‌توانند تثبیت شوند و ساختارهای مفهومی و قراردادی را شکل دهند که در سطح جامعه به اشتراک گذاشته می‌شود (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲: ۴۹-۴۰).

۳-۲ گفتمان انتزاعی^۳

کریستوفر هارت (۲۰۰۵) با توصیف کیفی استعاره‌های ملت و مهاجرت در رسانه‌های بریتانیایی، مدلی را برای تحلیل شناختی-انتقادی متون مطبوعاتی ارائه نموده است. در این مدل، با استفاده از نظریه آمیختگی مفهومی برای تشخیص استعاره‌هایی که در یک گفتمان به طور قراردادی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، هارت به بررسی این نکته می‌پردازد که کدام شبکه‌های آمیختگی بیشترین تمایل را برای تثبیت شدن دارند. سپس از شبکه‌های آمیختگی مفهومی تثبیت شده^۴ به عنوان گفتمان انتزاعی برای تجزیه و تحلیل انتقادی کلام بهره‌برداری می‌کند.

تثبیت یک شبکه آمیختگی مفهومی، به معنای کاربرد قراردادی مفهوم استعاری متناظر آن در حوزه شناخت اجتماعی است. زمانی که کاربرد یک استعاره در سطح شناخت اجتماعی به طور قراردادی صورت می‌پذیرد، می‌توان گفت آن استعاره جزئی از یک گفتمان واقعی است. از آنجا

1. entrenched mapping
3. abstract discourse

2. frame
4. entrenched conceptual blending network

که به لحاظ در زمانی کاربرد قراردادی استعاره‌ها منجر به «تثبیت شدگی»^۱ الگوهای آمیختگی مفهومی می‌شود، بنابراین می‌توان از شبکه‌های آمیختگی مفهومی تثبیت شده، به عنوان گفتمان انتزاعی برای تجزیه و تحلیل انتقادی کلام بهره‌برداری کرد (هارت، ۲۰۰۸: ۱۰۶-۹۱)

۴ تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های این پژوهش با بررسی عناوین خبری مربوط به جنگ یمن در سه روزنامه فارسی‌زبان کیهان، عربی‌زبان الحیات و انگلیسی‌زبان نیویورک‌تایمز به دست آمد. بررسی عناوین خبری این سه روزنامه در طی دوره زمانی پنج‌ساله جنگ یمن (۱۳۹۴-۱۳۹۹) نشان داد که به‌طور کلی مفاهیم استعاری به میزان محدودی در عناوین خبری مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. با این حال، داده‌های روزنامه کیهان حاوی عناوین استعاری بیشتری نسبت به دو روزنامه دیگر است. ضمن اینکه چند مورد از استعاره‌های به‌کاررفته از سوی این روزنامه، در طول زمان بارها تکرار شده است. استعاره‌های مفهومی به‌کاررفته در عناوین مورد بررسی، براساس نظریه استعاره مفهومی شناسایی شد و براساس حوزه مفهومی طبق جدول ۱ دسته‌بندی شد:

جدول ۱- دسته‌بندی داده‌ها براساس حوزه مفهومی

عناوین خبری نیویورک‌تایمز	عناوین خبری الحیات	عناوین خبری کیهان	حوزه مفهومی
1- End Yemen's agony به جان کندن یمن پایان دهید. 2- How Yemen became a humanitarian nightmare چگونه یمن به یک کابوس انسانی تبدیل شد؟	۱- العمام السادس من حرب غیرت وجه الیمن سال ششم جنگ، چهره یمن را تغییر داد. ۲- هل یحتاج الیمن الی اجهزة «تنفس سیاسی»؟ آیا یمن به دستگاه‌های تنفس سیاسی نیاز دارد؟ ۳- الیمن الحزین ... قلوب مكسورة یمن ناراحت ... قلب‌های شکسته	یمن، قربانی یک جنگ تحمیلی و بلای جان آل سعود بن‌سلمان در باتلاق قتل خاشقجی و کابوس یمن	(جنگ) یمن انسان است.

	<p>۴- حرب تحدیث الیمن جنگ به روز کردن یمن</p>	<p>آیا حدیده کلید توقف جنگ یمن است؟</p>	<p>(جنگ) یمن دستگاه است.</p>
<p>3- Arms sales to Saudis leave American fingerprints on Yemen's carnage فروش سلاح به سعودی ها، اثر انگشت امریکا را بر قتل عام یمن برجای می‌گذارد</p>		<p>مازات چگونه هزاران جوان سودانی را به قتلگاه یمن می‌فرستد؟ ذبح ارزش‌های انسانی در کشتارگاه یمن</p>	<p>(جنگ) یمن جنایت خشن است.</p>
<p>- The secret of Yemen's war? ۴ We can end it. راز جنگ یمن: ما می‌توانیم به آن پایان دهیم. - The tragedy of Saudi Arabia's war in Yemen ۵ تراژدی جنگ عربستان سعودی در یمن ۶- Saleh's offer to 'Turn a New Page' in Yemen is welcomed by Saudi coalition پیشنهاد صالح برای گشودن یک صفحه جدید در یمن مورد استقبال ائتلاف سعودی قرار گرفت</p>		<p>کربلای صنعا سند حقوق بشر امریکا و اروپا بندر الحدیده ویتنام ائتلاف سعودی می‌شود؟ داستان یمن در ماه‌های پایانی</p>	<p>(جنگ) یمن داستان است.</p>
<p>7- How the war in Yemen became a bloody stalemate-and the worst humanitarian crisis in the world چگونه جنگ در یمن به یک بن بست خونریزی- و بدترین فاجعه انسانی در جهان تبدیل شد 8- Yemen has been a Saudi Prince's war. Now it's his Quagmire. یمن جنگ شاهزاده سعودی بود. اکنون باتلاق او شده است.</p>	<p>۵- الیمن و نافذه استکهلم یمن و پنجره استکهلم ۶- «الاحوة الاعداء» فی الیمن برادران دشمن در یمن</p>	<p>کاخ‌های شیشه‌ای امارات و صخره‌های یمنی آخرین حربه‌های آل سعود برای فرار از باتلاق یمن یمن گورستان نظامیان سودانی می‌شود</p>	<p>(جنگ) یمن ظرف است.</p>
		<p>انگلیس از جنگ یمن ۲۸۳ میلیون پوند به جیب زده است جنگ با انصارالله صدمیلیارد دلار برای بن سلمان آب خورده است</p>	<p>(جنگ) یمن تجارت است.</p>

۴-۱ تحلیل داده‌ها براساس نظریه استعاره مفهومی

جدول ۱ نشان می‌دهد که در عناوین خبری کیهان، الحیات و نیویورک تایمز، به طور مشابه استعاره‌های «کشور به عنوان شخص» و استعاره‌های «کشور به عنوان ظرف» به کاررفته است. کاربرد استعاره‌های «کشور به عنوان شخص» و «کشور به عنوان ظرف» در گفتمان سیاسی بسیار رایج است. چیانگ^۱ و چيو^۲ (۲۰۰۷: ۲۳) به نقل از شیلتون^۳ و لیکاف (۱۹۹۵) و شیلتون (۱۹۹۶) بیان می‌کنند که این باور استعاری در تفکر بین‌المللی نهادینه شده است که کشورها، اشخاص هستند و یا به بیان کلی‌تر، کشورها ظرف هستند. این استعاره‌ها این امکان را برای تفکر آدمیان فراهم کرده است که درباره کشورها بر مبنای مفاهیم آشناتری مانند جسم، باور و سلامت آنها بیندیشند و یا کشورها را به عنوان جعبه‌هایی بسته، خانه‌ها و یا پدیده‌های طبیعی ببینند.

در داده‌های این پژوهش، گرچه این دو حوزه مفهومی در هر سه زبان مورد بهره‌برداری قرار گرفته است، اما شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در واژگان به کار گرفته شده از سوی هر روزنامه برای بیان این مقولات مشاهده می‌شود. در حوزه مفهومی «یمن انسان است»، در سطح واژگانی روزنامه کیهان، یمن را یک قربانی و جنگ یمن را یک بلا می‌داند. همچنین، برای جنگ یمن، ویژگی انسانی کابوس را قائل است. روزنامه الحیات، یمن درگیر جنگ را یک بیمار تنفسی می‌بیند و روزنامه نیویورک تایمز، یمن درگیر جنگ را یک بیمار در حال احتضار توصیف می‌کند و مانند روزنامه کیهان وضعیت این کشور را مشابه یک کابوس می‌داند. فایساک (۲۰۰۷: ۱۸۷) نیز استعاره‌های «جنگ یک بیماری است» و «جنگ یک کابوس است» را از جمله مفهوم‌پردازی‌های جنگ در برخی متون برشمرده است. روزنامه الحیات، یمن را یک انسان و گذر جنگ را عاملی برای تغییر او می‌داند. الحیات، همچنین ویژگی‌های انسانی مانند حالات عاطفی برای یمن متصور می‌شود.

در حوزه مفهومی «یمن ظرف است»، الحیات تمایل دارد که یمن را یک بنا و یک خانه ببیند، در حالی که کیهان و نیویورک تایمز آن را فضایی محدود و مخوف مانند باتلاق، گورستان و بن بست خونریزی می‌بینند. همچنین کیهان با استفاده از استعاره مفهومی صخره‌های یمنی، دیواره‌های صخره‌ای برای این کشور متصور شده است.

لیکاف (۱۹۹۲: ب: ۱۲-۱۳) به مفهوم‌پردازی استعاری «جنگ به عنوان یک جنایت خشن» پرداخته و معتقد است این دسته از استعاره‌ها ورای ابعاد سیاسی و اقتصادی، به ابعاد

اخلاقی جنگ می‌پردازند. کیهان با به‌کاربردن واژه‌های قتلگاه و کشتارگاه در حوزه مبدا، به مفهوم جنایت جنگی پرداخته است. نیویورک‌تایمز نیز به این حوزه مفهومی وارد شده و جنگ یمن را یک قتل‌عام دیده است.

فایساک (۲۰۰۷: ۱۷۷) استعاره‌هایی را شناسایی کرده که حوزه مفهومی آنها «جنگ تئاتر است» می‌باشد. در داده‌های برآمده از عناوین خبری کیهان و نیویورک‌تایمز، حوزه مفهومی کلی‌تر «جنگ یمن یک داستان است» مشاهده می‌شود. درحالی‌که نیویورک‌تایمز، با مفاهیم کلی رازآلودگی و تراژدی به این حوزه مفهومی پرداخته است، روزنامه کیهان مفهوم‌پردازی را با ارجاع به وقایع تاریخی مانند واقعه کربلا و جنگ ویتنام که متضمن داستان‌های واقعی با ویژگی‌های خاص هستند انجام می‌دهد تا در مفهوم‌پردازی، جنبه‌های جزئی مشترک مابین دو نبرد برجسته گردد. مشابه چنین کاربردی را فایساک (۲۰۰۷: ۱۳۳) در گفتمان جورج دبلیو بوش پس از حادثه یازده سپتامبر شناسایی کرده و معتقد است وی با بهره‌برداری از حوزه مفهومی «جنگ جنگ صلیبی است» واکنش شدیدی به ماجرا داده است.

حوزه مفهومی «جنگ» یمن دستگاه است» مورد بهره‌برداری دو روزنامه کیهان و الحیات قرار گرفته است. گرچه این دو روزنامه، یمن را به عنوان یک دستگاه الکترونیکی می‌بینند، اما مفاهیم متفاوتی را دنبال می‌کنند. الحیات جنگ را ابزاری برای به‌روز کردن یمن می‌بیند، درحالی‌که کیهان یک رویداد را کلیدی برای متوقف شدن دستگاه جنگ متصور می‌شود. مشابه این حوزه مفهومی در پیشینه مطالعات، می‌توان به «جنگ ماشین است» اشاره کرد که از جمله از سوی مارگارت تاجر به‌کار برده شده است (فایساک، ۲۰۰۷: ۱۵۹).

روزنامه کیهان همچنین به مفهوم‌پردازی «جنگ یمن تجارت است» وارد شده است؛ جایی که این جنگ به مثابه یک بازار تلقی شده که کشورها از آن سود و زیان مالی می‌برند. فایساک (۲۰۰۷: ۱۲۹) حوزه مفهومی «جنگ تجارت است» را با توجه به دغدغه‌ها و هزینه‌های اقتصادی جنگ، بسیار استعاری می‌داند. به علاوه، زمانی که صدمات و تلفات سربازان و غیرنظامیان با نمودهای واژگانی و مفهومی به‌دست‌آوردن و ازدست‌دادن عنوان می‌شود، با مفهوم استعاره عام «کیفیت کمیت است» مواجه می‌شویم که استعاره «جنگ تجارت است» نمود خاص آن است و یک درک استعاری از قیمت زندگی بشری فراهم می‌آورد.

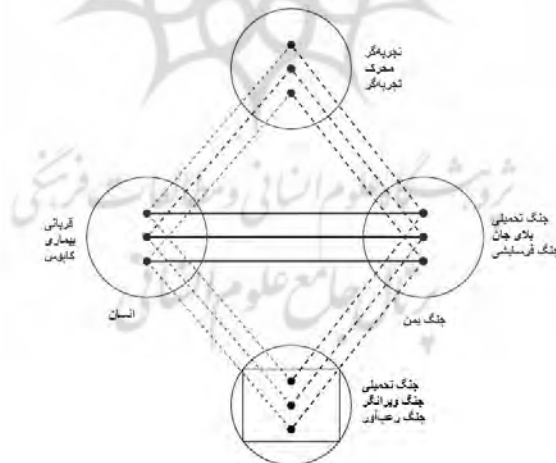
می‌توان مشاهده کرد که اشتراکات قابل توجه و البته تفاوت‌هایی مابین بهره‌برداری سه روزنامه مورد بررسی از صورت‌های استعاری و حوزه‌های مفهومی برای مفهوم‌پردازی

وقایع جنگ یمن وجود دارد. حال این سوال مطرح می‌شود که با تجزیه حوزه‌های مفهومی شناسایی شده بر نمودار آمیختگی مفهومی، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی از مفاهیم انتزاعی بر فضای ذهنی فرافکن می‌شود؟ آیا در آنچه که از داده‌های سه روزنامه متفاوت بر فضای ذهنی فرافکن می‌شود، می‌توان تشابهی یافت؟

۲-۴ تحلیل داده‌ها بر نمودار آمیختگی مفهومی

جدول ۱ نشان می‌دهد که سه روزنامه مورد بررسی، در مجموع استعاره‌های مربوط به جنگ یمن را در قالب شش حوزه مفهومی مطرح کرده‌اند. در نمودار آمیختگی مفهومی، که متشکل از چهار فضای ذهنی است، دو فضای درون‌داد از عناصر متعلق به دو سناریو با پس‌زمینه قالب‌ها و انگاره‌های متفاوت شکل می‌گیرند؛ به طوری که در طی گفتمان استعاری، برای هر سناریو یک فضای ذهنی خلق می‌شود. در تجزیه داده‌های این پژوهش و در ترسیم هر نمودار، حوزه مفهومی متغیر، سناریوی فضای درون‌داد یک و سناریوی جنگ یمن به طور ثابت فضای درون‌داد دو را شکل می‌دهد.

ابتدا نمودار آمیختگی مفهومی برای حوزه مفهومی «یمن انسان است» در روزنامه کیهان را، طبق نمودار شماره ۲، ترسیم می‌نماییم.

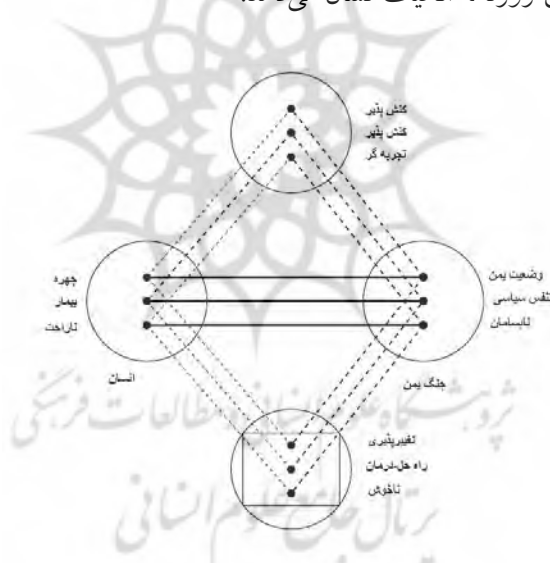


نمودار ۲- نمودار آمیختگی مفهومی استعاره‌های جنگ یمن با حوزه مفهومی انسان در روزنامه کیهان

نمودار ۲ نشان می‌دهد که در دو مورد از مفاهیم استعاری، (جنگ) یمن با نقش معنایی

تجربه‌گر و یک مورد با نقش معنایی محرک به‌کاررفته است. درمیان دو فضای درون‌داد، رابطه اساسی علت-معلول مابین قربانی-جنگ تحمیلی، رابطه اساسی جزء-کل مابین بیماری-بلای جان و رابطه اساسی قصدمندی^۱ مابین کابوس-جنگ فرسایشی برقرار است. در فرافکنی این عناصر بر فضای آمیخته، به ترتیب از فرآیندهای ترکیب، توسیع و تکمیل بهره‌برداری شد. از ترکیب علت، جنگ تحمیلی و معلول، قربانی، ساختار پیدایشی جنگ تحمیلی که کلیت بیشتری دارد، در ساختار پیدایشی فرافکن شد. توسیع رابطه بیماری-بلای جان، مبین جانکاه بودن و بنابراین ویرانگر بودن جنگ یمن است. بنابراین ساختار پیدایشی جنگ ویرانگر را در فضای آمیخته شکل داده است. تکمیل مفهوم جنگ فرسایشی با رویکرد ذهنی ترس که برآمده از کابوس است، ساختار پیدایشی جنگ رعب‌آور را رقم می‌زند.

نمودار شماره ۳، نمودار آمیختگی مفهومی با سناریوی حوزه مفهومی «یمن انسان است» را برای استعاره‌های روزنامه‌الهیات نشان می‌دهد.



نمودار ۳- نمودار آمیختگی مفهومی استعاره‌های جنگ یمن با حوزه مفهومی انسان در روزنامه‌الهیات

براساس این نمودار، دو مورد از استعاره‌ها با نقش معنایی کنش‌پذیر و یک مورد با نقش معنایی تجربه‌گر به‌کاررفته‌اند. توجه به روابط اساسی موجود مابین دو فضای درون‌داد نشان

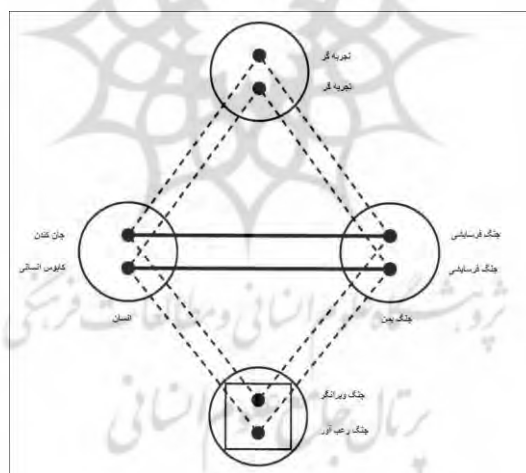
1. intentionality

می‌دهد که رابطه اساسی مابین دو عنصر چهره و وضعیت یمن «تغییر» است. بنابراین این دو درون‌داد طی فرآیند توسیع، ساختار پیدایشی تغییرپذیری را در فضای آمیخته ایجاد می‌کنند. عنصر تغییرپذیری متضمن تغییر در چهره آدمی و وضعیت یک کشور جنگ زده است که با گذشت زمان اتفاق می‌افتد.

رابطه اساسی مابین دو عنصر بیمار و تنفس سیاسی از دو فضای درون‌داد، موضوع «علت-معلول» است که فرآیند تکمیل منجر به برآمدن ساختار پیدایشی راه‌حل-درمان در فضای آمیخته شده است. به طوری که، تنفس سیاسی که همان درمان و راه‌حل سیاسی است، منتج به بهبود وضعیت بیمارگونه جنگ یمن خواهد شد.

آنچه که دو عنصر ناراحت و نابسامان، از دو فضای درون‌داد را به هم مرتبط می‌کند، رابطه اساسی «قیاس» است؛ که طی فرآیند توسیع، ساختار پیدایشی ناخوش که مفهوم کلی تری است را در فضای آمیخته شکل می‌دهد.

حال به بررسی نمودار آمیختگی مفهومی با سناریوی حوزه مفهومی «یمن انسان است»، برای استعاره‌های روزنامه نیویورک تایمز می‌پردازیم که در نمودار ۴ آمده است.



نمودار ۴- نمودار آمیختگی مفهومی استعاره‌های جنگ یمن با حوزه مفهومی انسان در روزنامه نیویورک تایمز

در نمودار ۴، عناصر دو فضای درون‌داد، هر دو با نقش معنایی تجربه‌گر به کار رفته‌اند. درون‌دادهای جنگ فرسایشی-جان کندن با رابطه اساسی قیاس با یکدیگر مرتبط شده و طی فرآیند تکمیل ساختار پیدایشی جنگ ویرانگر را شکل داده‌اند. رابطه اساسی جنگ

فرسایشی-کابوس انسانی، قصدمندی است و این دو درون‌داد طی فرآیند تکمیل، ساختار پیدایشی جنگ رعب‌آور را در فضای آمیخته شکل داده‌اند. نمودارهای مشابهی برای حوزه‌های مفهومی شناخته شده به تفکیک روزنامه‌های مورد بررسی ترسیم شد و براساس آن ساختارهای پیدایشی برآمده در فضای آمیخته، در نمودارهای مورد بررسی طبق جدول ۲ به دست آمد.

جدول ۲- دسته‌بندی عناصر ساختارهای پیدایشی

نیویورک تایمز	الهیات	کیهان	نام روزنامه
جنگ ویرانگر v	تغییرپذیری z	جنگ تحمیلی q	ساختارهای پیدایشی
جنگ رعب‌آور t	راه‌حل-درمان y	جنگ ویرانگر v	
جنگ رعب‌آور t	ناخوش x	جنگ رعب‌آور t	
پشت پرده جنگ s	تغییرپذیری z	راه حل y	
جنگ سخت r	جنگ خانگی w	جنگ رعب‌آور t	
تغییرپذیری z	راه حل y	جنگ رعب‌آور t	
جنگ رعب آور t		جنگ نابرابر p	
جنگ ویرانگر v		شکست متهاجم o	
		جنگ ادامه دار n	
		مقاومت m	
		جنگ ویرانگر v	
		جنگ رعب‌آور t	
		سود اقتصادی از جنگ l	
		هزینه جنگ k	

براساس دسته بندی جدول ۲، اگر ساختارهای پیدایشی استعاره‌های مستخرج از عناوین خبری کیهان را A، ساختارهای پیدایشی روزنامه الهیات را B و ساختارهای پیدایشی استعاره‌های مستخرج از عناوین خبری نیویورک‌تایمز را C بنامیم، خواهیم داشت:

$$\begin{aligned}
 A &= \{q, v, t, y, p, o, n, m, l, k\} \\
 B &= \{z, y, x, w\} \\
 C &= \{v, t, s, r, z\} \\
 A \cap B &= \{y\} \\
 A \cap C &= \{v, t\} \\
 B \cap C &= \{z\} \\
 A \cap B \cap C &= \emptyset
 \end{aligned}$$

بنابراین، تنها ساختار پیدایشی راه‌حل مابین داده‌های روزنامه کیهان و الهیات مشترک است. کیهان و نیویورک‌تایمز دو ساختار پیدایشی جنگ ویرانگر و جنگ رعب‌آور را به اشتراک دارند. ساختار پیدایشی تغییرپذیری تنها وجه اشتراک الهیات و نیویورک‌تایمز است

و هیچ ساختار پیدایشی وجود ندارد که مابین هر سه روزنامه مشترک باشد. این نتیجه مبین نگاه متفاوت این سه رسانه از کشورهای مختلف جهان به جنگ یمن است که در مفهوم‌پردازی‌های استعاری تأثیرگذار بوده است.

۴-۴ تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس مدل هارت

روزنامه الحیات، به عنوان یک روزنامه حامی عربستان سعودی، در بازتاب اخبار مربوط به یمن رویکردی موافق با سیاست سعودی‌ها در پیش گرفته و در تلاش است تا جنگ یمن را به عنوان فرآیندی برای ایجاد تغییرات، از جمله به روز کردن این کشور، نشان دهد. این روزنامه همچنین از کاربرد عناوین استعاری که مبین خشونت و نقض حقوق بشر در یمن باشد، خودداری می‌کند و در مقابل از مفاهیم امیدبخش، مانند درمان و راه حل بهره‌برداری می‌کند. از این حیث، نگاه روزنامه الحیات به مساله جنگ در یمن بسیار نزدیک به تعریفی است که هسنر (۱۹۹۶: ۱۸۹-۱۴۹) از رویکرد فلسفی به جنگ ارائه می‌دهد؛ وی معتقد است، زمانی که پای پژوهش‌های فلسفی به میان می‌آید، مفهوم جنگ اغلب در یک ارتباط نزدیک با دوگانگی مابین هماهنگی و درگیری قرار می‌گیرد. الحیات، جنگ یمن را یک ناخوشی برای این کشور می‌بیند و آن را به یک جنگ خانگی محدود می‌داند.

اما روزنامه نیویورک‌تایمز، نگاهی انتقادی‌تر نسبت به جنگ یمن دارد؛ به طوری که مفهوم‌پردازی در اغلب عناوین استعاری آن با هدف نشان دادن ویرانگری و رعب‌آوری جنگ یمن انجام شده است. این نگاه نیویورک‌تایمز، از یک سو می‌تواند ریشه در تلاش دیرزمان غربی‌ها برای سیاه‌نمایی شرق داشته باشد. سندیک جی اوغلو (۲۰۰۰: ۲۹۹-۳۲۰) معتقد است که از دوران استعمار یک دوگانگی در مورد شرق و غرب درک شده که طبق آن ویژگی‌هایی همچون وحشی‌گری، ضعف، ناپختگی احساسی‌بودن و ناپایداری به شرق نسبت داده شده، درحالی که غرب بر مبنای تمدن، قدرت، بلوغ، خردورزی و ثبات شکل گرفته است. اما از سوی دیگر، گزارش‌های مخابره شده از سوی مجامع جهانی حقوق بشر در رابطه با نقض حقوق بشر، کشتار کودکان و فاجعه انسانی در نتیجه جنگ یمن، حاکی از آن است که سیاه‌نمایی نیویورک‌تایمز به واقعیت نزدیک‌تر است.

این نگاه حقوق بشری به جنگ یمن و به نمایش گذاشتن جنایات‌های جنگی متهاجمین به یمن و نیز سود و زیان مالی کشورهای غربی، اساس گفتمان استعاری روزنامه کیهان در مورد جنگ یمن را شکل داده است. با وجود اختلاف بنیادین ایدئولوژیک مابین روزنامه

کیهان و نیویورک‌تایمز، به‌طورکلی می‌توان اشتراکاتی را هم به لحاظ واژگانی و هم مفهوم‌پردازی در ساخت‌های استعاری این دو روزنامه مشاهده کرد. اشتراک ساختارهای پیدایشی جنگ ویرانگر و جنگ رعب‌آور مبین هشدارهای حقوق بشری و واکنش به جنایات صورت گرفته در یمن از جانب این دو روزنامه است. درحالی‌که تنها اشتراک کیهان با الحیات در مساله راه حل است.

آنچه که بر مبنای ایدئولوژی غرب‌ستیز و حامی محور مقاومت روزنامه کیهان، گفتمان این رسانه را از دو رسانه دیگر متفاوت می‌کند، ساختارهای پیدایشی جنگ نابرابر، مقاومت، سوداقتصادی و هزینه جنگ است. به‌علاوه، تعدد ساختارهای پیدایشی برآمده از گفتمان استعاری روزنامه کیهان، به ویژه در مقایسه با دو روزنامه دیگر، نشان‌دهنده دغدغه‌مندی بیشتر این روزنامه نسبت به موضوع و پرداختن به ابعاد مختلف جنگ یمن است.

در این میان، اشتراک گزاره «تغییرپذیری» در گفتمان دو روزنامه الحیات و نیویورک‌تایمز نشان می‌دهد که رویکرد مشترکی در گفتمان رسانه‌ای دو کشور آمریکا و عربستان در موضوع جنگ یمن وجود دارد که همانند رویکرد برخی از جامعه‌شناسان، جنگ را به عنوان یک نهاد اجتماعی، محرکی برای تغییرات اجتماعی تلقی می‌کند. این درحالیست که چنین ساختاری از گفتمان روزنامه کیهان بر نمی‌آید. ضمن اینکه عدم اشتراک حتی یک ساختار پیدایشی مابین هر سه روزنامه، نشان‌دهنده اختلاف قابل ملاحظه در گفتمان و رویکرد رسانه‌های مختلف جهان نسبت به جنگ چندساله یمن است.

۵ نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به تجزیه و تحلیل شناختی-انتقادی کاربرد عبارت‌های استعاری در عناوین خبری مربوط به جنگ یمن در روزنامه ایرانی کیهان، روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز و روزنامه عربستانی الحیات پرداخته شد. این بررسی نشان داد که در ساخت استعاره‌های جنگ یمن، این روزنامه‌ها در مجموع از شش حوزه مفهومی مشترک و نهادینه شده در گفتمان بین‌الملل در موضوع جنگ استفاده کرده‌اند، اما با این حال نحوه بهره‌گیری هر یک از این روزنامه‌ها از حوزه‌های مفهومی مشترک، متفاوت است. ضمن اینکه تنها روزنامه کیهان از حوزه مفهومی «جنگ یمن تجارت است» استفاده کرده و با اینکه این حوزه مفهومی از جمله حوزه‌های بسیار استعاری در گفتمان جنگ تلقی می‌شود، در روزنامه آمریکایی و روزنامه عربستانی در مورد جنگ یمن به کار نرفته است.

اشتراکات اندکی در سطح واژگانی و شیوه بهره‌برداری از حوزه‌های مفهومی قابل مشاهده است، اما مفهوم‌پردازی‌ها چنان متفاوت است که هیچ ساختار پیدایشی مشترکی مابین گفتمان استعاره‌ی سه روزنامه دیده نمی‌شود.

از گزاره‌های مشترک، می‌توان به مفاهیم «جنگ ویرانگر» و «جنگ رعب‌آور» مشترک در گفتمان انتزاعی روزنامه کیهان و روزنامه نیویورک‌تایمز اشاره کرد که به لحاظ بعد حقوق بشری مورد توجه دو روزنامه قرار گرفته است. تنها گزاره مشترک مابین کیهان و الحیات «راه‌حل» است. گزاره «تغییرپذیری» نیز در گفتمان انتزاعی روزنامه الحیات و نیویورک‌تایمز مشترک است. بنابراین، با وجود محدودیت داده‌ها، از ورای شباهت‌ها و تفاوت‌های یافت شده می‌توان بازتاب ایدئولوژی هر روزنامه را در ساختارهای استعاره‌ی مربوط به عناوین خبری جنگ یمن مشاهده کرد.

از آنجا که در عصر حاضر، از یک سو جنگ‌های متعددی در گوشه و کنار جهان در جریان است و از سوی دیگر حقوق بشر تبدیل به دغدغه‌ای مشترک مابین ایدئولوژی‌های مختلف معاصر شده، به نظر می‌رسد مطالعه گفتمان جنگ‌های موردی، می‌تواند ابزاری باشد که در وهله نخست نشان دهد هر رسانه چگونه به هر یک از جنگ‌های جاری واکنش نشان می‌دهد و در ثانی به سنجش اهمیت حقوق انسانی نوع بشر در جنگ از منظر هر ایدئولوژی بپردازد. از این رو، علاوه بر پژوهش‌های میان‌زبانی، پیشنهاد می‌گردد در مطالعه‌ای به مقایسه مفهوم‌پردازی دو یا چند جنگ عصر حاضر از منظر رسانه‌های مختلف جهان پرداخته شود.

منابع

- اردبیلی، لایلا، بهزاد برکت، بلقیس روشن و زینب محمدابراهیمی (۱۳۹۴). «پیوستگی معنایی متن از منظر نظریه آمیختگی مفهومی». *جستارهای زبانی*. دوره ۶ / ۱۳۹۴، صص ۲۷-۴۷.
- اسدی، محمد، ارسلان گل‌فام و علی اصغر سلطانی (۱۴۰۰). «مفهوم‌سازی‌های استعاره‌ی در گفتمان ورزش فوتبال بر اساس رویکرد پیکره-بنیاد به تحلیل انتقادی استعاره». *مطالعات مدیریت ورزشی*. پذیرفته شده، انتشار آنلاین از ۲۳ اسفند ۱۴۰۰.
- افخمی، علی و کامران شکبیا (۱۳۹۶). «بازنمایی ایدئولوژیک مطبوعات انگلستان و ایران با نگاه تحلیل انتقادی استعاره». *جستارهای زبانی*. دوره ۸ / ۱۳۹۶، صص ۲۰۹-۲۳۱.
- افراشی، آریتا (۱۳۹۵). *میانی معاشناسی شناختی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اونز، ویوین (۱۳۹۸). *واژه‌نامه توصیفی زبان‌شناسی شناختی*. حدائق رضایی و مینا قندهاری، قم: لوگوس.

- چارتریس-بلک، جانانان (۱۳۹۷). *تحلیل انتقادی استعاره: رویکردی شناختی-پیکره‌ای*. یکتا پناه پور، قم: لوگوس.
- حیدری‌زاده، رضا و علی اکبر لیش (۱۳۹۵). «تحلیل انتقادی گفتمان استعاری - سیاسی بکار رفته در بازتاب جنبش‌های اخیر کشورهای عربی». *مجموعه مقالات دومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران*.
- دهقان، مسعود، ولی غلامی و عطیه کرمی (۱۴۰۰). «کارکرد گفتمانی-استعاری زبان رسانه: رویکرد شناختی». *زبان شناخت*. دوره ۱۲ / شهریور ۱۴۰۰، ۱۰۳-۱۴۶.
- رضایی، حدائق، عادل رفیعی و مجتبی پردل (۱۳۹۶). «سازوکارهای مفهومی دخیل در خوانش‌های گوناگون شعر از منظر شعرشناسی شناختی: مورد کامران رسول‌زاده». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. شماره ۱۷ / پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ۴۹-۷۹.
- رضویان، حسین، زهرا زارع و سحر بهرامی خورشید (۱۳۹۸). «نگاهی نو به تیزرهای تبلیغاتی رادیویی و تلویزیونی با کاربری نظریه آمیختگی مفهومی». *مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی*. دوره ۱۰ / اسفند ۱۳۹۸، ۲۴۵-۲۷۲.
- روشن، بلقیس و اردبیلی، لیلا (۱۳۹۲). *مقدمه ای بر معناشناسی شناختی*. تهران: نشر علم.
- شهرستانی، زهره، علی اصغر سلطانی، عبدالمجید طباطبایی لطفی (۱۴۰۱). «جنسیت در روایت‌های زنانه و مردانه جنگ از منظر تحلیل انتقادی استعاره». *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*. دوره ۱۰ / تیر ۱۴۰۱.
- قائم، مرتضی، سید مهدی مسبوق و اکرم ذوالفقاری (۱۳۹۸). «بازکاوی سوره بقره براساس نظریه آمیختگی مفهومی». *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. شماره ۱۷ / بهار و تابستان ۱۳۹۸، ۵۹-۸۴.
- کیا، سپیده، حسین رضویان و سحر بهرامی خورشید (۱۴۰۰). «آمیختگی مفهومی در عناوین خبر سیاسی». *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*. دوره ۹ / مهر ۱۴۰۰، ۸۹-۱۰۸.
- مولوی وردنجانی، آرزو، ساسان شرفی، الخاص ویسی و منصوره شکرآمیز (۱۳۹۸). «تحلیل فشرده‌سازی در سینما در چارچوب نظریه آمیختگی مفهومی در فیلم سینمایی *رقص در غبار*». *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*. شماره ۲۴ / بهار ۱۳۹۸، ۹۳-۱۱۵.
- نورمحمدی، مهتاب و دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۸). «تحلیل انتقادی استعاره‌ها در مناظره‌های تلویزیونی انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ ایران». *رسانه‌های دیداری و شنیداری*. دوره ۱۳ / ۱۳۹۸، ۲۲۷-۲۵۱.
- هارت، کریستوفر (۱۳۹۸). *تحلیل گفتمان انتقادی و علوم شناختی: چشم‌اندازهای نوین پیرامون گفتمان مهاجرت*. مسعود دهقان، فردوس آقاگل‌زاده و بهناز وهابیان، تهران: نشر نویسه پارسی.
- هاشمی، زهره (۱۳۸۹). «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون». *ادب پژوهشی*. شماره ۱۲ / ۱۳۹۸، ۱۴۰-۱۱۹.

- Asadian, Z., & H. Rezaei, & A. Lotfi (2017). "A Critical-Cognitive Analysis of Unity Metaphors in Persian Editorials". *7th International Conference of Cognitive Science 30 April-4 May 2017, Tehran, Iran*, 59-60.
- Beard, A. (2000). *The Language of Politics*. London: Routledge.
- Charteris-Black, J. (2004). *Corpus Approaches to Critical Metaphor Analysis*. New York: Palgrave Macmillan.

- Chiang, W. & Chiu, S. (2007). "The Conceptualization of State: A Comparative Study of Metaphors in the R.O.C. (Taiwan) and U.S. Constitutions". *Concentric: Studies in Linguistics*. 33.1/ 2007, 19-46.
- Chilton, P. (1996). *Security Metaphors: Cold War Discourse from Containment to Common European Home*. Berne and New York: Peter Lang.
- Chilton, P. & G. Lakoff (1995). "Foreign Policy by Metaphor". *Language and peace*. Schäffner, C. & Wenden, A. (eds). Aldershot: Dartmouth, 37-60.
- Fabiszak, M. (2007). *A Conceptual Metaphor Approach to War Discourse and its Implications*. Poznan: Wydawnictwo Naukowe UAM.
- Fauconnier, G. (1994). *Mental Spaces: Aspects of Meaning Construction in Natural Language*. New York: Cambridge University Press.
- Fauconnier, G. & M. Turner (2002). *The Way We Think: Conceptual Blending and the Mind's Hidden Complexities*. New York: Basic Books.
- Grady, J. & T. Oakley, & S. Coulson (1999). "Blending and metaphor". *Metaphor in Cognitive Linguistics*. Gibbs, R. & Steen, G. (eds.). Amsterdam: John Benjamins Publishing Company, 101-122.
- Hart, C. (2005). "Analysing Political Discourse: Toward a Cognitive Approach". *Critical Discourse Studies*. 2(2), 189-194.
- Hart, C. (2008). "Critical Discourse Analysis and Metaphor: Toward a Theoretical Framework". *Critical Discourse Studies*. 5(2), 91-106.
- Hassner, P. (1996). "La Guerre et la Paix". *Dictionnaire de Philosophie Politique*. Raynaud, P. & Rials, S. (eds.). Paris: PUF [In French].
- Kaszubski, P. & Fabiszak, M. (2005). "A Corpus Based Study of War Metaphors". *Pragmatics Today*. Cap, P. (ed.). Frankfurt: Peter Lang Verlag.
- Koller, V. (2004). *Metaphor and gender in business media discourse: A critical cognitive study*. Basingstoke: Palgrave.
- Lakoff, G. (1992a). "The Contemporary Theory of Metaphor". *Metaphor and Thought* (2nd ed.). Ortony, A. (ed.). New York: Cambridge University Press.
- Lakoff, G. (1992b). *Metaphor and War: The Metaphor System Used to Justify War in the Gulf*. UC Berkeley: University of California, Berkeley, Miscellaneous Papers and Publications.
- Lakoff, G. (2003). Metaphor and War, Again. AlterNet, March 18, 2003. https://www.ugr.es/~jsantana/lie/metaphor_and_war_again.htm
- Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago and London: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. & M. Turner (1989). *More Than Cool Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lule, J. (2004). "Metaphors of War: News Reporting and the 2003 Iraq War". *Journal of Global Mass Communication, Special issue: Global Media go to War*. Volume 3, Numbers 1-4.
- Muller, R. (2005). "Creative Metaphors in Political Discourse: Theoretical Considerations on the Basis of Swiss Speeches". *Metaphorik.de*. 09/2005. 53-73.
- Musolff, A. (2004). *Metaphor and Political Discourse: Analogical Reasoning in Debates about Europe*. New York: Palgrave Macmillan.
- Rash, F. (2005). "Metaphor in Adolf Hitler's Mein Kampf". *Metaphorik.de*. 09/2005. 74-111.
- Sandikcioglu, E. (2000). "More Metaphorical Warfare in the Gulf: Orientalist Frames in News Coverage". *Metaphor and Metonymy at the crossroads: A Cognitive Perspective*. Barcelona, A. (eds.). New York: Mouton de Gruyter, 299-320.

استناد به این مقاله: اسدیان اصفهانی، زهرا و شادمان، سیرا (۱۴۰۱). تحلیل انتقادی استعاره‌های جنگ یمن در عناوین خبری روزنامه‌های جهان براساس نظریه آمیختگی مفهومی و مدل هارت: یک مطالعه بین‌زبانی. *زبان و زبان‌شناسی* ۱۸(۳۵)، ۲۱۲-۱۸۹. doi: 10.30465/lsi.2023.8505.۲۱۲-۱۸۹